

Journal of Resistance Literature
Faculty of Literature and Humanities
Shahid Bahonar University of Kerman
Year ۱۰, No ۱۹, Autumn and Winter ۲۰۱۸-۲۰۱۹

An Investigation of the Contents of Labor Poems during the Constitutional Period

Mohammadsadeq Basiri^۱
Mohammadreza Sarfi^۲
Najmeh Taheri Mahzamini^۳

Abstract

In the investigation and classification of modern Persian poetry based on the subject matter, especially from the Constitutional Period afterward, a new literary form, i.e., 'labor poetry' and 'labor literature' can be observed, the contents of which have never been specifically investigated. This paper tries to reveal the sources for the emergence of labor literature in the Constitutional Period, to depict the influence of labor ideas of the Russian Revolution on labor poetry during the Constitutional Period, and to examine and analyze their contents. Finally, it was concluded that this literary form came into existence to fulfil the rights of laborers and the oppressed, as well as to raise their awareness and help them to invite them to resist poverty and the oppression of capitalists and the ruling regime.

Keywords: Literature, Poetry, Laborer, Capitalist, The Labor Union, The Constitutional Period

^۱. Professor of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Email: m-sadeq@yahoo.com

^۲. Professor of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman, Email: m.sarfi@gmail.com

^۳. PhD Student of Persian Language and Literature, Shahid Bahonar University of Kerman (Corresponding Author), Email: taheri_najme@yahoo.com

Date Received: ۱۰.۱.۲۰۱۵

Date Accepted: ۲۹.۶.۲۰۱۵

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

بررسی مضامین اشعار کارگری در دوره مشروطه

(علمی-پژوهشی)

دکتر محمد صادق بصیری^۱

دکتر محمدرضا صرفی^۲

نجمه طاهری ماه زمینی^۳

چکیده

در بررسی‌ها و طبقه‌بندی‌های موضوعی شعر فارسی معاصر، به‌خصوص از دوره مشروطه به بعد، با نوع ادبی جدیدی به نام «شعر کارگری» و «ادبیات کارگری» روبه‌رو هستیم که تاکنون به طور اختصاصی به بررسی مضامین آن پرداخته نشده است. در این مقاله سعی شده است که ریشه‌های ظهور ادبیات کارگری در دوره مشروطه تا حد امکان نشان داده شود و میزان تأثیرگذاری اندیشه‌های کارگری انقلاب روسیه در آثار شاعران کارگری دوره مشروطه ترسیم گردد و مضامینی که در این اشعار به کار رفته‌اند، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند؛ در نهایت، به این نتیجه می‌رسیم که این نوع ادبی تمام همّت خود را صرف ایفای حقوق کارگران و مظلومان نموده و نهایت تلاش خود را در آگاهی‌بخشی و یاری کردن‌شان کرده است تا آنان را به مقاومت و پایداری، هم در برابر فقر و نداری و هم در برابر ظلم و ستم سرمایه‌داران و حکومت حاکم دعوت نماید.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، شعر، کارگر، سرمایه‌دار، اتحادیه کارگری، دوره مشروطه.

^۱ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان basiri@mail.uk.ac.ir

^۲ استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان sarfi@uk.ac.ir

^۳ دانشجوی دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

(نویسنده مسئول: taheri_najme@yahoo.com)

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴-۰۴-۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳-۱۰-۲۰

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که همزمان با مشروطیت و غروب استبداد قاجاری به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های ادبیات واقع‌گرا و متعهد به گستره ادب فارسی گام نهاد و به دلیل برخورداری از عواطف عظیم و خیل مخاطبان در کنار سایر نثرها و هنجارهای ادبی چهره نمود، ادبیات کارگری بود. مسئله کار و کارگر در طول تاریخ، همیشه مورد توجه شاعران، بزرگان و حتی پیامبران و ائمه نیز بوده است و در بزرگداشت ایشان سخنان بسیاری بیان نموده‌اند که دلگرم‌کننده آنان نیز هست. نمونه‌هایی مثل بوسیدن دست کارگر به‌وسیله پیامبر یا تأکید بر پرداخت دستمزد کارگر قبل از خشک شدن عرق او، همه در فرهنگ دینی ما نشانه ارزشمند بودن این قشر جامعه است؛ اما آنچه واقعیت جامعه ایران تا قبل از مشروطه بوده، آن است که انعکاس زندگی مشقت‌بار و طاقت‌فرسای طبقه کارگران، هرگز از سر اعتراض و آگاهی توده‌های زحمتکش نبوده‌است؛ بلکه به نوعی تسلی و دعوت به تحمل رنج‌های مقدر است؛ اما در دوره مشروطه، توجه به خود کار و کارگر در اشعار نمود ویژه‌ای پیدا کرد. از جمله شاعرانی که به این مضمون زیاد توجه کرده، لاهوتی^۱ است که می‌گوید:

گر آنکه در بسیط زمین کارگر نبود دنیا نبود و علم نبود و هنر نبود
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۶۷)

بی وجود ما چو هیچ اسباب کسب علم نیست می توان گفتن که اصلاً علم دانا کار ماست
(همان: ۴۲)

البته هر تلاش و فعالیتی را نباید ستود. همان‌طور که لاهوتی می‌گوید:

پیش ما چیزی مقدس‌تر ز زحمت نیست لیک باید از روی خرد تشخیص زحمت داد هم
زحمت آن باشد که یک‌جنسی از آن حاصل شود ورنه در کشتار زحمت می‌کشد جلاد هم
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۹۰)

پایه‌گذاران فلسفه عملی، کار را رهگشای تاریخ بشری و انسان را محصول تاریخی آن می‌دانند. «آنان نشان دادند که تاریخ بشر چگونه از جریان کار سرچشمه گرفت و

انسانی شدن احساس‌ها و استعدادها را به همراه خود آورد ... ساختن ابزار کار، نقطه عطفی در تکامل انسان گردید و تثبیت آن را به‌عنوان یک نوع در طبیعت امکان‌پذیر ساخت. از آن زمان به بعد، انسان به آن اندازه که از لحاظ اجتماعی دگرگون شده، از لحاظ بدنی تغییر نیافته است» (فرامرزی، ۱۳۵۷: ۹۲-۹۴).

اما برخلاف اهمیت کار و کارگر از دیدگاه فرهنگی و مذهبی جامعه، این قشر از مردم در بیشتر مواقع، جزء افراد مظلوم و فقیر جامعه بوده‌اند و برخی از خواجگان، اربابان و کارفرمایان در ظلم و ستم به آنان از هیچ اقدامی فروگذار نکرده‌اند. از آنجا که این کارگران، مجبور به انجام‌دادن هر کاری حتی با حقوق کم بوده‌اند، این تصور در جامعه رواج داشت که کارگری مایه ننگ و تحقیر است و هر کسی می‌کوشید تا خود را از این قشر دور نگاه‌دارد. همان‌گونه که در اروپا پیش از انقلاب‌ها و نهضت‌های کارگری و سوسیالیستی، «کلمه کارگر، زحمتکش، بیل، داس، چکش و ...» کلمات پستی می‌نمود و هر کس حتی به دروغ می‌خواست خود و خانواده‌اش را از این کلمات مبرا سازد؛ در حقیقت، آنها معتقد بودند که این‌گونه افراد نمی‌توانند به مقامات بالا و ریاست دست یابند؛ در مقابل، ادبیات کارگری به‌نوعی برای تغییر این نگرش و زمینه‌سازی شرایط مناسب کار و فعالیت اجتماعی کارگران به وجود آمد و قصد داشت «از یک سو بر اشاعه و ترویج فرهنگ کار به‌عنوان فرهنگ تعالی‌بخش و سازنده تأکید [نماید] و از سوی دیگر بر تکریم و تعظیم کارگر به‌عنوان نیروی مولد، خلاق و رهایی‌بخش از وابستگی‌ها، صحنه [گذارد] و از این طریق می‌کوشد تا با بیان کاستی‌ها، ناملايمات و هر آنچه به نحوی در این راه خلل نموده، به مبارزه برخاسته و شرط پیشرفت اجتماع و رسیدن به فردایی بهتر را در گرو تحقق حقوق حقه کارگران بر [شمارد]» (خراسانی‌زاده گزکی، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

۱-۱- بیان مسئله

با توجه به اهمیت کار و کارگر در ادبیات فارسی، هنوز جایگاه این قشر از جامعه به‌خوبی تبیین نشده و در اشعار مربوط به این نوع ادبی به بررسی مضامین آنها کمتر توجه شده است تا از لابه‌لای این آثار، نیازها و مطالبات آنان مشخص شود. بر این اساس، این

تحقیق سعی دارد تا مضامین اشعار کارگری دوره مشروطه را بررسی نماید تا معلوم شود که:

- ۱- آیا ادب کارگری نیز جزو ادبیات پایداری محسوب می شود؟
- ۲- تاریخچه ادب کارگری به چه زمانی برمی گردد؟
- ۳- اشعار کارگری دوره مشروطه چه مضامینی را دربرمی گیرند؟

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

در مورد مسئله کار، کارگر، جنبش‌ها، حقوق و مطالبات و دیگر مسائل مربوط به آنها، کتاب‌های بسیاری وجود دارد؛ اما در تحقیقات ادبی، مسئله کارگری چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ از آنجا که بررسی پیشینه جنبش‌های کارگری و اشعار اولیه مربوط به این موضوع می‌تواند کمک بسیاری به شناخت این قشر از جامعه نماید؛ بنابراین این تحقیق به بررسی مضامین اشعار کارگری مربوط به اولین دوره رواج ادب کارگری، یعنی دوره مشروطه می‌پردازد تا این تحقیق راهنمایی برای پژوهشگران این نوع ادبی باشد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

درباره ادبیات کارگری تاکنون کتاب و مقالات زیادی به چاپ نرسیده است. در بخش کتاب، فقط یک اثر از محمد پناهی سمنانی (۱۳۶۹) با عنوان «شعر کار در ادب فارسی» وجود دارد. در زمینه مقاله‌نویسی، نگارنده تنها دو اثر را با موضوع شعر کارگری مشاهده نمود که عبارت‌اند از: «مقایسه ادبیات کارگری در اشعار فرخی یزدی و جمیل صدقی زهاوی» از عنایت‌الله شریف‌پور و محمدحسن باقری (۱۳۹۰)، فصلنامه لسان مبین و مقاله «تأملی در محتوا و مبانی جمال‌شناختی ادبیات کارگری» از محمد خاکپور و محمد مهدی‌پور.

قبل از وارد شدن به بحث حمایت از کارگر و شعر کارگری باید به شناخت و درک اوضاع اجتماعی، سیاسی، ادبی و محیطی آن دوران پرداخت. پس ابتدا تاریخچه‌ای از این نوع تفکر و رواج آن در میان ایرانیان و شاعران عصر مشروطیت شرح داده می‌شود.

۲- بحث

۲-۱- آشنایی ایرانیان با ادبیات کارگری

بعد از دورهٔ رنسانس و عصر جدید در اروپا، پیشرفت‌های صنعتی فراوانی در عرصهٔ تولید ایجاد شد. به دنبال این پیشرفت‌های صنعتی، عدهٔ زیادی از نیروی تولیدکنندهٔ سنتی اعم از کشاورز و دامدار و ... دچار ورشکستگی شدند و به ناچار کار تولیدی را رها کردند و به نیروی خدماتی کارخانه‌ها پیوستند و حاضر بودند در نامساعدترین شرایط و با دستمزد کم کار کنند و هیچ نهاد نظارتی و یا حمایت‌کننده‌ای وجود نداشت تا حقوق آنها را ایفا کند. در بستر این نظام، با بروز بحران‌های اقتصادی که تبعات آن بر دوش طبقهٔ کارگر بود، جنبش‌های کارگری به وجود آمد (امین صارمی، ۱۳۹۰: ۸). بعد از دههٔ ۱۸۶۰، جنبش کارگری مارکسیستی شکل غالب و اساسی کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز سیاسی و اجتماعی قرن نوزدهم را تشکیل می‌داد (همان: ۲).

در دیگر کشورها نیز، همواره جنبش‌ها و اعتصابات کارگری وجود داشت تا اینکه موفق می‌شدند اتحادیه و صنف تشکیل بدهند. در کشور روسیه نیز در سال ۱۹۱۷ م، تزار روس، نیکولای دوم را سرنگون ساخت و یک دولت لیبرال ادارهٔ امور را در دست گرفت. بلشویک‌ها به رهبری لنین و تروتسکی از شوراهای کارگری خواستند تا قدرت را در دست بگیرند. پس از این انقلاب در روسیه، نظریه‌پردازانی برای ادبیات کارگری یا به تعبیری «پرولتاریا» تعریف تراشی کرده و برای آن هویت خاص و جایگاه ممتازی قائل شدند و در کشورهای سوسیالیستی، شاعران و نویسندگان را نسبت به آفرینش آثاری با مضامین کارگری ترغیب و تشویق نمودند (خراسانی‌زاده گزکی، ۱۳۸۹: ۱۷۸). از آن زمان بود که ادبیات کارگری رسماً شروع به کار کرد. بعد از این پیشینه، به بررسی چگونگی آشنایی ایرانیان با جنبش‌های کارگری، به‌خصوص ادبیات کارگری پرداخته می‌شود.

همزمان با دوران مشروطیت، سیل کالاهای ارزان‌قیمت خارجی به سمت بازار ایران سرازیر شد و در پی این جریان، الگوی اقتصادی در ایران به کلی تغییر کرد. «فروپاشی نظام زمین‌داری و اقتصاد سنتی ایران در دوران حکومت شاهان قاجار، گرفتن وام‌های

هنگفت از کشورهای بیگانه و دادن امتیازهای ناروا به آنها، کشور را در وضعیت اقتصادی بدی قرار داده بود. باج‌گیری و رفتار خودسرانه مأموران دولتی نیز وضعیت را بدتر کرده بود. بسیاری از کشاورزان که تا آن زمان با تولید محصولات خود امرار معاش می‌کردند، به تدریج وسیله درآمد خود را از دست دادند و به نیروی کارگری پیوستند^۲. بسیاری از دهقانان از روستاها به شهرها مهاجرت کردند و صنایع دستی و پیشه‌وری جایگاه خود را از دست دادند. «در اثر این تحولات، کشور با یک نیروی عظیم جویای کار مواجه شد و چون رشد اقتصادی کشور هم به گونه‌ای نبود که بتواند جویایگزوی مازاد باشد؛ در نتیجه، بسیاری از آنان یا به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کردند یا به هر کاری و با هر حقوقی تن می‌دادند» (تیموری، ۱۳۸۲: ۳۲۱). قسمت اعظم این مهاجران به مراکز صنعتی روسیه تزاری روی آوردند که معدن نفت باکو از مهم‌ترین این مراکز به شمار می‌رفت (کامبخش، بی تا: ۱۳).

فصلی‌بودن این کارگران و شرکت در اعتصاب‌های کارگری منطقه قفقاز، موجب انتقال افکار جدید در زمینه

تشکیلات کارگری به ایران شد. سیاسی‌شدن تدریجی این کارگران مهاجر ایرانی در خارج از کشور، سرانجام به گسترش عقاید رادیکال در ایران انجامید. انتقال عقاید رادیکال در خصوص نیاز به سازمان‌های کارگری، زمینه را برای پیدایش جنبش کارگری در داخل ایران نیز مهیا کرد (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

علاوه بر این، روزنامه‌هایی چون چلنگر، آموزگار و غیره نیز در برخی از شماره‌های خود «به تحلیل مفهوم استثمار و طبقه بهره‌کش پرداختند و با زبان بسیار ساده‌ای به بازگو کردن مبارزه طبقاتی پرداختند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۹: ۶۹)؛ در واقع، در دوره مشروطه تحت تأثیر این تحولات، برای نخستین بار به طور جدی زندگی کارگران، کشاورزان و سرنوشت دردبار تاریخی آنان موضوع شعر شاعران قرار می‌گیرد و همدردی با کارگران و مستضعفان، نسل تازه‌ای را در شعر این دوره به نمایش می‌گذارد و با این سبک و اندیشه نو «بذر نوعی تفکر سوسیالیستی در شعر این دوره» به وسیله دو شاعر، فرخی و لاهوتی پراکنده

می‌شود و با عنوان «ادبیات کارگری یا ادبیات محرومان و رنجبران» پا به عرصه وجود می‌گذارد (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۸).

سرانجام، این تلاش روزنامه‌ها، شاعران و دیگر حامیان کارگران، بعد از امضای فرمان مشروطیت به ثمر نشست و در سال ۱۲۸۵، نخستین اتحادیه کارگری در ایران به وسیله محمد پروانه در تهران [خیابان ناصریه] تأسیس می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۲: ۶۲) تا در برابر تسامح و عقب‌نشینی دولتمردان و کارفرمایان نسبت به مقاله‌نامه‌ها، توصیه‌نامه‌ها و قطعنامه‌های موجود در روابط کار و امور کارگران جبهه‌گیری نماید که این خود، نشان از ارتباط مستقیم مسائل سیاسی با مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد.

۲-۲- بررسی مضامین اشعار کارگری دوره مشروطه

در دوره مشروطه، شاعران با بریدن از دربارها، دیگر خود را مجبور نمی‌دیدند که به مدح یا تأیید کارهای پادشاه پردازند و آزادانه می‌توانستند موضوعات شعری خود را از متن زندگی مردم انتخاب کنند؛ به همین دلیل سعی کردند که کم‌کم زبان و محتوای اشعار خود را با مخاطبان‌شان هماهنگ و متناسب سازند و به تبع آن، موضوعات کارگری چون حمایت از زحمتکش و تشویق آنان به بازستاندن حقوق ضایع شده خود و مبارزه با نظام فئودالیه به شعر راه یافت. این شاعران به دو صورت طنز و جدی، مسائل مربوط به کارگران را بیان نموده‌اند که عبارت‌اند از:

۲-۲-۱- ظلم به طبقه کارگر

یکی از پربسامدترین مضامین اشعار کارگری، بیان ظلم و ستم به این افراد است. افراد سرمایه‌دار و سودجو، گاه در برخورد با مردم زیردست خود کوتاهی می‌کردند و حقوق آنان را ضایع می‌نمودند. این مسئله اساس شعر کارگری را تشکیل می‌دهد و تمام هدف شاعران هم، دفاع از حقوق این قشر زحمتکش جامعه در برابر ظالمان است، از جمله:

گر آب رزت باید، ای مالک بی‌انصاف خون دل دهقان را در شیشه نباید کرد

(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۴۱)

در اینجا فرخی یزدی معتقد است که شراب مالک بی‌انصاف، همان خون دل دهقان است. او در جای دیگر می‌گوید:

پیش خود تا فکر نفع بی‌نهایت می‌کند
کارفرما کارگر را کی رعایت می‌کند
(همان: ۱۱۷)

در واقع، او عامل ظلم و ستم کارفرمایان بر کارگر را حرص و طمع آنها می‌داند؛ علاوه بر این، شاعران نسبت به کار طاقت‌فرسای کودکان و زنان ناتوان در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و مزارع معترض هستند و آن را کاری ناعادلانه می‌دانند. همان‌گونه که فرخی می‌گوید:

در محیط بورژوازی زحمت آزاد نیست ای بسا سرها که غلتان از پی زر دیده‌ام
دختر شش ساله را در کارگه از بهر نان چهارده ساعت به زحمت، بل فزون‌تر دیده‌ام
(لاهوتی، ۱۳۵۷: ۸۲)

در شعر سه تابلوی مریم یا ایده‌آل، پدر مریم پس از برکناری از شغل دیوانی و فرار از وطن و از دست دادن دو فرزند خود در راه انقلاب، همزمان با پیروزی انقلاب مشروطه به همراه مریم در شمران سکنی می‌گزیند و دهقانی پیشه می‌کند. چنانکه عشقی می‌گوید:

دگر نمودم، از آنگاه فکر دهقانی شده دگر من از آن دم به بعد شمرانی
به من گذشت در اینجا همانکه می‌دانی غرض قناعت کردم به شغل بستانی

به سر ببرد در خانه خراب و گلین (عشقی، ۱۳۵۷: ۱۸۸-۱۸۹)

در این شعر، دهقان نماد کارگران جامعه است که به جرم صداقت و پاکدامنی و فداکاری در راه میهن، مصایب و تلخ‌کامی‌های بسیاری کشیده‌اند. سه تابلو یا «ایده‌آل»، بهترین نمونه انقلاب شعری این عصر است (عشقی، ۱۳۵۷: ۱۷۱-۱۷۲).

ظلم و ستم استعمارگران، دولتمردان و مالکان چندان در روح شاعر تأثیر گذاشته که حتی در هنگام عاشقانه‌سرایی نیز خاطره این ظلم‌ها با اوست و هیچ چیز را بدتر از آنها نمی‌داند و فراق معشوق خود را در ویرانگری به این ظلم‌ها تشبیه می‌کند؛ چنانکه عارف قزوینی می‌گوید:

چه ها گذشت ز زلفت به دل چه می دانی به کارگر چه ز سرمایه دار می گذرد
(عارف قزوینی، ۱۳۵۷: ۱۸۱)

سپاه ناز تو در کشور دلم آن کرد که ظلم صنف توانگر به حال دهقان کرد
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۵۸)

۲-۲-۲- فقر کارگران

در بخش قبل، در مورد ظلم و ستم روا داشته شده در حق کارگران سخن گفته شد. در این بخش، در مورد حاصل آن ستمها سخن گفته می شود که همان فقر و بیچارگی کارگران است؛ در واقع، کارگران در آن زمان در زمره تهیدستان و مستمندان محسوب می شدند و به هیچ وجه اصول اخلاق، انصاف و عدالت درباره آنان رعایت نمی گشت، به حق شان تجاوز می شد و حقوقی برای آنان قائل نبودند و «هیچ شرایطی که موجب تقویت نیروی انسانی و بهبود زندگی می گشت تا لامحاله از اشاعه فقر و تنگدستی جلوگیری نماید، در دست نبود. رابطه کارفرما و کارگر بر مبنای «خوردی-کردی» و زور و فشار قرار داشت» (پناهی سمنانی، ۱۳۶۹: ۲۸۷)؛ از جمله این اشعار:

تا رسم غنی غیر دل آزاری نیست از بهر فقیر چاره جز زاری نیست
این خواری و این ذلت و این فقر عموم بی شبهه به جز علت بیکاری نیست
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۲۱۷)

این مضمون در بسیاری از اشعار مشروطه بیان شده است و شاعران برای همدردی با کارگران، به بیان مشکلات آنان و عوامل به وجود آورنده آن پرداخته اند؛ در حقیقت، باید گفت در جامعه ای که توازن اقتصادی و نیروهای ناظر بر آن وجود نداشته باشد، وضعیت جامعه چنین است. «آنکه کار می کند، چیزی ندارد و آنکه چیزی به دست می آورد، کار نمی کند» (مارکس و انگلس، ۱۳۷۹: ۲۹۶).

همچنین، در بسیاری از این اشعار از گرسنگی، بی خانمانی و بیماری کارگر و خانواده آنان سخن گفته می شود؛ مانند:

این اطاق ما شده چون زمهریر
باد می آید ز هر سو چون صفیر
من ز سرما می زنم امشب نفیر
می دوم از میسر بر میمنه

آخ عجب سرماست امشب ای ننه!

(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۱۱۰)

علی اکبر طاهرزاده (صابر) در میان شاعران دوره مشروطه، بیشتر از دیگران از مضامین کارگری بهره برده است. در مسمط زیر، او از زبان ارباب به توصیف کارگر می پردازد و در آن بر فقر و نداری کارگران صحه می گذارد:

هرگز فقرا را نبود عقل و ذکایی
چون در کفشان نیست توانی و نوایی
نه ثروت و نه دولت و نه شال و عبایی
یک چوخه صد پاره و یک کهنه قبایی
وارونه شده کار جهان گردش عالم
حالا شده هر کارگری داخل آدم ...

(طاهرزاده، ۱۳۵۶: ۴۵-۴۶)

در واقع، این شعر در اعتراض به اشعار کارگری و اقدامات عدالت خواهانه کارگران است؛ چون اصلاً کارفرما و ارباب، کارگران را داخل آدم به حساب نمی آوردند که بنا باشد از حقوق انسانی برخوردار باشند. نسیم شمال نیز در اشعار خود به شکل های گوناگون، فقر کارگران و طبقات پایین جامعه را نشان می دهد. یکی از این صورت ها، صحبت از غذا و خوراک آنهاست؛ مانند:

دل گفت فسنگان خورش روح و روان است، ماه رمضان است

...

از مال وطن جز دل پرپیچ نداریم، ماهیچ نداریم
آنچه که عیان است، چه حاجت به بیان است
(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۱۹۵)

در اینجا شاعر از فقر و گرسنگی کارگران سخن می گوید و بهترین نمود فقر، در بیان غذاست؛ به همین دلیل، در اشعار کارگری مشروطه و به خصوص اشعار نسیم شمال، اسم انواع غذاهایی بیان می شود که آرزوی آنها به دل بسیاری از قشرهای ضعیف جامعه مانده

است. به گفته گل آقا «همان طور که در شراب شعر شاعران غزل سرا می توان عکس رخ یار را دید، در روغن فسنجان شعر نسیم شمال هم می توان تصویر زنده ای از اوضاع یا محیط اجتماعی و اقتصادی ایران را در زمان مشروطه دید» (گل آقا، ۱۳۷۴: ۵۸). نمونه دیگر:

در سفره ارباب پر مرغ و مسمن قرقاول و جوجه، غرقابه روغن
مرغابی و اردک، گردیده فسنجن با زمزمه ای قیمه، گوید به متنجن

از ماهی آزاد، لذت حالا و قته

(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۳۲۱)

بحث دیگری که در همین راستا پیش می آید، ضعف بدن کارگر در اثر فقر و گرسنگی و کار بسیار است. از آنجا که این کارگران تحت هیچ گونه حمایت مالی یا بیمه ای نبوده اند؛ بنابراین، وضعیت عمومی و جسمی شان چندان خوب نبوده است و همواره از این ضعف بدن خود نالان بوده اند؛ مانند:

گفت آن چاهکن اندر بن چاه کای خدا تا کی ز این چاه سیاه ...
رفت از دست به کلی بدنم تا به کی کار؟ مگر من چندنم

(ایرج میرزا، ۱۳۶۸: ۱۲۴)

ایرج میرزا در این گفت و گوی اعتراضی بین خدا و کارگر به همین نکته خستگی و بیماری کارگران اشاره دارد. ابوالقاسم لاهوتی نیز در این باره می گوید:

تا چند برای نفع خود، اشراف آواره کنند و در به در ما را؟ ...
نه نور به دیده مانده از رحمت، نه زور به زانو و کمر ما را

(لاهوته، ۱۳۵۷: ۳۶)

۲-۲-۳- اعتراض به سرمایه داری

به دنبال پیشرفت های صنعتی و روی کار آمدن دستگاه ها و ماشین های برقی که در کوتاه مدت می توانستند کار چندین نیروی کار انسانی را انجام دهند، افرادی که سرمایه دار یا کارفرما بودند، روز به روز قوی تر می شدند و در مقابل، افراد زیادی بی کار می شدند یا با

قناعت به مزد کم، کارهای سخت را انجام می دادند. همین امر، باعث ایجاد تضاد طبقاتی شدید در جامعه عصر مشروطه گشته بود و همواره اعتراض کارگران را به دنبال داشت. شاعران زیادی نیز در حمایت از آنان، اشعاری را در نفی سرمایه داری سروده اند؛ از جمله:

همچو زنبور عسل هستیم چون ما لاجرم هر غنی را نیش و هر بیچاره را نوشیم ما
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۸۶)

قصر دارا که چنین پاک و منقش باشد خشتش از خاک تن خلق ستمکش باشد
(لاهورتی، ۱۳۵۷: ۶۰)

غنا با پافشاری کرد ایجاد تهی دستی خدا ویران نماید خانه سرمایه داری را
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۸۲)

در واقع، آنها سرمایه داری و طبقه توانگر را عامل بدبختی خود می دانستند و برای مقابله با آنها تلاش می کردند. به نظر مارکس، نظام سرمایه داری به سبب گردآوری ثروت از طرف مالکان وسایل تولید، به بدبختی روزافزون طبقه کارگر می انجامد و این امر به انقلاب و ظهور یک جامعه بی طبقه سوسیالیستی منتهی خواهد شد (مارکس و انگلس، ۱۳۷۹: ۲۷۳).

نمونه های دیگر:

از رقیب خرد ای دل! در جهان غافل مباش موش ویران می نماید دگه بقال را
حشمت محتشمان مایه مرگ فقر است داد ازین رسم فرومایه که در شهر شماس است
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۰۱۵)

در واقع، شاعران متعهد معتقدند که اگر عدالت در جامعه فراگیر باشد و ثروت عادلانه در بین مردم تقسیم شود، دیگر هیچ فقیری وجود نخواهد داشت؛ اما حرص و طمع ثروتمندان مانع این عدالت است:

بگذرند از کبریایی گر خداوندان آز ثروت دنیا خلایق را کفایت می کند
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۲۵)

این اعتراض‌ها گاهی به جایی می‌رسد که حتی قشر سرمایه‌دار و توانگر مورد تمسخر کارگران و حامیان آنان قرار می‌گیرند؛ مانند:

دارا ز رنج کارگران رزق می‌خورد دارد ز نان مفتخوری «افتخار» هم
(لاهورتی، ۱۳۵۷: ۹۱)

۲-۲-۴- اعتراض به غفلت و جهل کارگران

در دوره مشروطه، برخی از کارگران که تمام عمر خود را در بی‌خبری و فقر و جهل به سر برده بودند، دیگر به این مسائل عادت کرده و برای احقاق حقوق خود تلاشی نمی‌کردند. همین امر، سبب اعتراض‌های زیادی نسبت به آنان شده بود. شاعران با تشر زدن، غفلت کارگران را در مورد حقوق‌شان گوشزد می‌نمایند؛ مانند:

ای رنجبران بی‌بصری تا کی و تا چند؟ غفلت ز حقوق بشری تا کی و تا چند؟
(لاهورتی، ۱۳۵۷: ۴۷)

ملک الشعراى بهار نیز، در مستزادی به هر دو قشر کارگر و سرمایه‌دار اعتراض می‌نماید و می‌گوید:

ای مفتخوران! مفتخوری تا کی و تا چند، کو حس و حمیت؟

ای رنجبران! در به دری تا کی و تا چند، بیچاره رعیت!

(بهار، ۱۳۸۷: ۲۳۵)

این شاعران بعد از آگاه کردن کارگران نسبت به حقوق‌شان، ایشان را برای به دست آوردن این حقوق ترغیب می‌کنند تا به مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و عواملی چون استبداد داخلی و استعمار خارجی و ... پردازند؛ مانند:

ای توده! که جهل در سرشت من و توست هشدار! که گاه زرع و کشت من و توست
تا شب پی حق خویش از پا منشین برخیز که روز سرنوشت من و توست

(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۲۱۸)

۲-۲-۵- تشکیل اتحادیه کارگری

از همه اشعار کارگری دوره مشروطه، اعم از آنهایی که موضوعشان ساخته ذهن گوینده است یا در آنها واقعیتی یا حکایتی عینی به نظم کشیده شده، دو نتیجه کلی به دست می آید: «خان یا مالک و یا فرد ارباب، مسئول تمام بدبختی‌هایی است که به سر زحمتکش می آید و دیگر اینکه باید اتحاد داشت تا همه مشکلات حل گردد» (پناهی سمنانی، ۱۳۶۹: ۳۲۳). بر این اساس، کارگران و حامیان آنان، تنها راه نجات قشر کارگر را تشکیل اتحادیه‌های کارگری می‌دانستند تا از حقوق آنها در برابر کارفرمایان دفاع کنند و حق خود را ایفا نمایند؛ به همین دلیل، شاعران در بسیاری از اشعار خود بر تشکیل صنف و اتحادیه تأکید می‌کنند؛ مانند:

به ضد جور و ستم، اتحاد و تشکیلات
برای صنف ستمکش یگانه تدبیر است
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۴۱)

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود
کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود
در صف حزب فقیران اغنیا کردند جای
این دو صنف را کاملاً از هم جدا باید نمود
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۳۹)

در جشن کارگر چو زدم فال انقلاب
دیدم به فال نیک بود حال انقلاب
من هم به نام خطه ایران سپاس گوی
بر قائدین انقلاب و عمال انقلاب
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۷۰)

حتی آنها اتحادیه را راهی برای تشکیل حکومت عادلانه برای قشر کارگر می‌دانستند؛

مانند:

پس ما کنیم جسم تو را / هم نشان به تیر / تا آنکه نوبت تو رسد / منتظر بمان (لاهوئی،

۱۳۵۷: ۲۴۱).

البته این شعر لاهوتی در قالبی متفاوت از قالب‌های کلاسیک است و به این اعتبار، باید لاهوتی را نخستین کسی دانست که پیش از نیمه، شعر نیمایی با قالب شکسته و غیر عروضی سروده است (یا حقی، ۱۳۸۸: ۲۴). نمونه دیگر:

خیزید از خواب ای مردکاران / خلق زحمتکش، توده دهقانان / ای توده دهقانان! / ای رنجبران!، از پیر و جوان، خیزید از جا / آی خیزید از جا / جمهوری خود در جمله جهان سازید برپا! / آی سازید برپا! (لاهوئی، ۱۳۵۷: ۲۹۷).

۲-۲-۶- افتخار به کارگری

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، گویا در گذشته دهقانی و کارگری مایه ننگ و عار بوده و دلیل آن هم عدم آگاهی کارگران و دهقانان به دلیل بی‌سوادی و فقر بوده است؛ همچنین، کارفرمایان نیز چندان علاقه‌ای به آگاهی و باسواد شدن کارگران نداشته‌اند و این عوامل، روز به روز بر جهل و عقب‌ماندگی کارگران می‌افزوده است. آنها فکر می‌کردند که شغل‌شان به دلیل بی‌سوادی و مظلومیت‌شان است و شاید به همین دلایل، کارگران از اظهار شغل خود ننگ داشتند؛ اما این تفکر در عصر جدید، به‌خصوص از دوره مشروطه به بعد، رو به زوال بود و پس از نیمه دوم قرن نوزدهم که درجه و کیفیت معنی این کلمات عوض می‌شود، هر کس حتی به دروغ، خود و ریشه طبقاتی خانواده خود را به کارگر و کشاورز منسوب می‌کند. مالک، خود را دهقان و ارباب، خود را کارگر می‌نماید؛ به طوری که در شعر امروز دیگر از قهرمانان نژاده خبری نیست. «قهرمانان بیشتر از میان توده زحمتکش و رنجبر برمی‌خیزند و خود را فرزند کار و زاییده رنج و زحمت می‌نامند» (خراسانی‌زاده گرگی، ۱۳۸۹: ۱۷۹). نمونه عملی این تفکر را می‌توان در تبلیغات انتخاباتی دوران معاصر به‌خوبی مشاهده کرد. شاعران و به‌خصوص شاعران دهقان‌زاده نیز، در ترویج این تفکر بسیار نقش داشته‌اند؛ از جمله آنها فرخی‌یزدی و لاهوتی بوده‌اند؛ چنانکه فرخی‌یزدی می‌گوید:

من آن خونین دل‌زارم، که خون خوردن بود کارم

مباهاتی که من دارم، ز دهقان‌زادگی دارم

(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۶۲)

و یا لاهوتی می گوید:

شهادت می دهم بر اینکه من از ملت کارم نژاد سعی و تخم رنج و نسل دوده زحمت
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۷۵)

مدعی با نیت تحقیر می خواند فقیرم لیک من با افتخار این گفته را اقرار دارم
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۸۵)

و گویا آنها در مقابل، غنی زادگی را یک تحقیر می دانند؛ چنانکه فرخی می گوید:
از جنس فقیرانم و با این غم بسیار دلشاد از آنم که غنی زاده نبودم
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۵۴)

و نمونه های دیگر: (فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۲۴۲) و (لاهوئی، ۱۳۵۷: ۲۵۱).

۲-۲-۷- اعتراض به دولت های نالایق

از دیگر نقش ها و وظایف دولت، ایجاد رفاه و حفظ امنیت برای همه اقشار جامعه است (هانت، ۱۳۸۱: ۲۲۱)؛ اما یک سونگری ها و سیاست های اشراف گرایی حاکمان باعث می شود که شکاف عمیقی بین مردم و دولت ایجاد شود. این وضع، درست مصداق حکومت ایران در عصر مشروطه بود؛ در واقع، قبل از مشروطه به دلیل اینکه دولت برآمده از بطن جامعه نبود، نمی توانست بی طرف باشد و به قول انگلس، رودرروی جامعه ایستاده بود (انگلس، ۱۳۷۹: ۶۸ به نقل از امامی و مرادخانی، ۱۳۸۸: ۱۰۳)؛ بر این اساس، یکی دیگر از مضامینی که در شعر کارگری بسیار وجود دارد، اعتراض به سیاست ها و رفتارهای مسئولان حکومتی در ارتباط با کارگران و اقشار پایین جامعه است. این رفتارهای ناصحیح باعث تقسیم ناعادلانه ثروت در بین مردم گشته بود؛ از جمله این اشعار می توان به ابیات زیر اشاره نمود:

مزد کار کارگر را دولت ما می کند صرف جیب هرزه ها، ولگردها، بی کارها
از برای این همه خائن بود یک دار کم پُر کنید این پهن میدان را ز چوب دارها

(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۸۴)

می شنیدم سحری طفل یتیمی می گفت: هر بلایی که به ما می رسد از این وزراست
خانه «محتشم» آباد که از همت او شیون و غلغله در خانه مسکین و گداست
(بهار، ۱۳۸۷: ۱۰۱۶)

و شاید بتوان گفت که آنان ریشه تمام بی عدالتی های موجود در جامعه را عدم استقرار
دولتمردان لایق و عادل می دانستند؛ مانند:
پادشاه حامی مفتخورهاست قوه مجریه صنف داراست
رنجبر هرگز آزاد نگردد تا اصول پادشاهی به جاست
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۲۹۹)

در ابیات اخیر شاعر معتقد است تا این نظام سلطنتی و حامی سرمایه داران برپا باشد،
کارگران و رنجبران روی خوش زندگی را نمی بینند. نسیم شمال نیز می گوید:
نیست اصلاً فکر اطفال فقیر نه و کیل و نه وزیر و نه امیر
ای خدا! داد فقیران را بگیر سیر را نبود خبر از گرسنه

آخ عجب سرماسست امشب ای ننه!

(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۱۷)

علی اکبر دهخدا نیز، در اشعار خود با زبانی بسیار ساده و نزدیک به محاوره، دردها،
رنجها، محرومیتها، فقر کارگران و کشاورزان و کسبه خرده پا و فقیران را به خوبی
منعکس می سازد و در قطعه ای به نام «رؤسا و ملت» به صورت کنایی از وضع استبداد انتقاد
می نماید. در این قطعه، «رؤسا» در نقش مادر نادان و «ملت» به صورت بچه بیماری تصویر
شده که در میان بازوان مادر از گرسنگی جان می دهد (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۶۷).

۲-۲-۸- غرب‌ستیزی و اعتراض به غرب

از زمانی که استعمارگران اروپایی به سرزمین ایران وارد شدند، همواره عامل ظلم و ستم و بهره‌کشی از مردم مظلوم و کارگر بوده‌اند و برای آبادانی کشور ما هیچ هزینه یا خدمتی را بی‌سود و منفعت مادی خود انجام نداده‌اند. همان‌طور که شاعر می‌گوید:

هیچ می‌دانی حریف ما چه دارد در نظر؟ این همه خرج گزافی را که اکنون می‌کند؟
انگلیس آخر دلش، بهر من و تو سوخته؟ آنکه بهر یک وجب خاک این قدر خون می‌کند!
(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۲۶)

همین امر، نوعی تفکر غرب‌ستیزی را در بین مردم رواج داده بود؛ زیرا آنها استعمارگران غربی را عامل بدبختی و فقر و بیگاری خود می‌دانستند و غالباً استعمارگران و تجاوزطلبی آنها، شاعران را به پرخاشگری با آنها وامی‌داشته است. ایرج در یک تمثیل ساده که مضمون آن را از عربی گرفته، گفته است:

گویند که انگلیس با روس عهدی بسته‌ست تازه امسال
کاندر پلتیک هم در ایران زمین پس نکنند هیچ اهمال
افسوس که کافیان این ملک بنشسته و فارغاند ازین حال
کز صلح میان گربه و موش ببر باد رود دکانِ بمقال
(ایرج میرزا، ۱۳۶۸: ۲۱۴)

یا:

تا لندن تکیه‌گاه خونخواران است بنیان نجات کارگر ویران است
از بهر هجوم ما به این شهر سیاه مرکز هند است و راه آن ایران است
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۳۱۰)

خدا خراب کند خانه کسی که مملکتی برای منفعت خویش خوان یغما کرد
(عارف قزوینی، ۱۳۵۷: ۲۱۷)

در مقابل این تفکر، ایده شرق‌دوستی را می‌توان در اشعار کارگری این دوره مشاهده نمود که طبق معمول اندیشه روشنفکران عصر، «شرق» را بهشت موعود می‌دیدند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۹۷)؛ چنانکه فرخی می‌گوید:

تاخت مژگان تو بر ملک دل از چشم سیاه چون سوی شرق به فرمان قضا لشکر سرخ
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۳۲)

از آنجا که مردم کشور روسیه تحت تأثیر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ توانسته بودند اصول کارگری را تثبیت کنند و در کشور آنها اتحادیه‌های حمایت از کارگران به وجود آمده بود، مورد توجه قشر کارگری سایر کشورها به‌خصوص ایرانیان بودند؛ در واقع، افراد حامی کارگران به راهکارهای روسیه در ایجاد انجمن‌های کارگری تأسی می‌جستند؛ مانند:

مردم تورکمن، اوزبک و تاجیک روزشان بود تماماً تاریک
لیک سرتاسر این خلق اسیر گشت آزاد ز اکتبر کیبر
بازوی مقتدر حزب لنین شست آثار اسارت ز زمین
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۱۱۷)

ای مَلّت فاتح لنینیـزم از یاد مبر بقیّت شرق
می‌کوش برای سوسیالیزم ظاهر بنما حقیقت شرق
(همان: ۲۵۱)

ابوالقاسم لاهوتی در زمینه حمایت از شوروی و برنامه‌های اصلاحی آن برای کارگران تا حدی پیش می‌رود که او را «ملک الشعراى شوروى» لقب داده‌اند (آژند، ۱۳۶۳: ۱۰۸).

۲-۲-۹- دعوت به قیام و مبارزه مسلحانه

دعوت به قیام و مبارزه علیه عوامل ظلم و ستم به کارگران، مضمون دیگری است که در اشعار کارگری به وفور دیده می‌شود. این عوامل شامل استبداد داخلی، استعمارگران خارجی، خیانتکاران و ... است که کارگران همواره خود را در تقابل با آنها می‌دانند و در

این راه ایستادگی می‌کنند؛ در واقع، ظلم و ستم به کارگران و به تبع آن فقر و گرسنگی، زمینه‌ساز هر گونه قیام و مبارزه است؛ چنانکه ملک الشعراء بهار می‌گوید:

ای زبردست ییـدادگر چند ازین جور و استمگری ...
کینه تیغی است زنگارگون فقر سـازد ورا جـوهری
ظلمش آرد بـرون از نیام اینست بـادا فـره و داوری
(بهار، ۱۳۸۷: ۴۵۶)

برای همین است که باید اشعار کارگری را جزو ادبیات پایداری به حساب آورد؛ زیرا این‌گونه اشعار بیانگر مظلومیت این قشر از جامعه هستند و شاعران نیز در این اشعار خود، دائماً کارگران را برای قیام و مبارزه با عوامل ظلم تهییج و تحریک می‌کنند؛ مانند:

کارگر را بهر دفع کارفرمایان چو تیپ با سر شمشیر خونین می‌دهم فرمان خون
کلبه بی‌سقف دهقان را چو آرم در نظر کاخ‌های سر به کیوان را کنم ایوان خون
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰:

۱۷۳)

بگذار تا سپاه سرخ / به شاه نو کند هجوم / ما با دست پر پینه خود / یکسر می‌تازیم / ویران
می‌سازیم / آخرین اردوی استبدادی

ای باعث ایجاد دنیا! برخیز ای از تو عالم جمله برپا! برخیز
ای کردگار هر چه اشیا! برخیز ای توده زحمتکش! از جا برخیز!
(لاهورتی، ۱۳۵۷: ۳۰۰)

تا که استبداد سر در پای آزادی نهد دست خود بر قبضه شمشیر می‌باید گرفت
(فرخی یزدی، ۱۳۶۰: ۱۴۸)

شمشیر لازمست به قلب توانگران چون تیر آه کارگران گارگر نبود
(لاهورتی، ۱۳۵۷: ۶۷)

این دعوت به مبارزه مسلحانه در دوره بعد باعث شکل‌گیری قیامی وسیع‌تر و مؤثرتر گشت و جریان عظیمی را در دوره پهلوی به وجود آورد که همان جنگ چریکی و مسلحانه نیروهای خودی علیه نظام ستمشاهی بود. بیشتر طرفداران و مجریان این جریان عموماً از مردم کم‌درآمد و کارگرانی بودند که از ظلم و ستم و نابرابری‌ها به ستوه آمده بودند؛ در حقیقت، شعر چریکی نوعی شعر اعتراض به نظام آن دوره است که تحت تأثیر نظام سرمایه‌داری، عده کثیری از مردم ایران را در فقر و نداری گرفتار کرده بود و «کمبود مایحتاج، مسئله مسکن و بهداشت و آموزش، بروکراسی و فساد دستگاه‌های اداری، بورس‌بازی، وجود ستم روزافزون مأموران دولتی همراه با افزایش روزافزون فاصله طبقاتی میان توده‌های زحمتکش و اقلیتی میلیونی، ... نبود آزادی‌های اجتماعی، خفقان و ضرب و شتم توده‌ها» مردم را به ستوه آورده بود (سازمان چریک‌های فدایی خلق، بی‌تا: ۷) و تحمل مردم را به حداقل و نقطه انفجار رسانده بود و همین امور، سبب فریاد عدالت‌خواهی و قیام مسلحانه مردم ایران در آن زمان گشت.

۳- نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد، دریافتیم ادبیات پایداری ابعاد گسترده و متنوعی دارد که یکی از آنها شعر کارگری است که از دوره مشروطه تا دوران معاصر نقش مهمی در پیشبرد اهداف کارگران داشته است؛ به طور کلی، شعر کارگری دوره مشروطه، تبلور و تجسم تام اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن دوران است که به طور خاص، وضعیت زندگی کارگران و طبقات محروم آن زمان را نشان می‌دهد. برخی از شاعران آن دوره، در اشعار خود در حمایت از طبقه کارگر تلاش بسیار کرده‌اند و هدف آن شاعران، برداشته شدن نظام سرمایه‌داری و عدم ظلم و ستم به قشر کارگر بوده است و مضامینی هم که در اشعار کارگری آن دوره به کار رفته، به نوعی مربوط به مسائل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کارگران بوده است. در بسیاری از این اشعار، کارگر به صورت فردی ستم‌دیده و رنج‌کشیده و در عین حال مبارز و سخت‌کوش نشان داده شده است؛ از جمله مضمون فقر کارگران، اعتراض به سیاست‌های حکومت، دعوت به قیام مسلحانه و ... این گونه

مضامین تأثیر مهمی بر آگاه نمودن طبقه کارگر دوره مشروطه داشته است و زمینه بسیاری از مشارکت‌ها و فعالیت‌های عدالت‌خواهانه آنان را فراهم کرده است و حتی می‌توان گفت که زمینه فکری قیام‌های مسلحانه دوره پهلوی را باید در همین تفکرات شاعران حامی کارگر جست‌وجو کرد.

یادداشت‌ها

- ۱- یحیی آرین‌پور، ابوالقاسم لاهوتی را «نخستین شاعر فارسی‌زبان طبقه کارگر» معرفی کرده است (از صبا تا نیما، ۱۳۵۱، ج ۲: ۱۷۱).
- ۲- (www.aftab.ir)، بی‌تا، نقش قفقاز در انقلاب مشروطه ایران).

فهرست منابع

- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۵۱). **از صبا تا نیما**. ج ۲. چاپ ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آزند، یعقوب. (۱۳۶۳). **ادبیات نوین ایران**. تهران: نشر امیرکبیر.
- اسماعیلی، ندا. (۱۳۸۹). «شرح جهانگیرنامه و تحلیل ویژگی‌های حماسی آن». راهنما حمید جعفری قریه‌علی. دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.
- افراشته، محمدعلی. (۱۳۵۸). **مجموعه آثار محمدعلی افراشته**. به اهتمام نصرت‌الله نوح. تهران: انتشارات توکا.
- امامی، محمد؛ مرادخانی، فردین. (۱۳۸۸). «دولت وابسته به طبقات در تفکر **مارکس**». فصلنامه سیاست. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۹، ش ۳، صص ۹۵ - ۱۱۱.
- امین‌صارمی، نودر. (۱۳۹۰). «بررسی تحولات کنش‌های کارگری چند دهه **اخیر ایران**». راهنما جعفر هزار جریبی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۷). **دیوان اشعار**. تهران: نشر نگاه.

- پروانه، نادر. (۱۳۹۰). «نگرشی بر مهاجرت کارگری در دوران مشروطه». نشریه پیغام بهارستان. دوره ۲، س ۳، ش ۱۲، صص ۱۴۳-۱۵۱.
- پناهی سمنانی، محمد. (۱۳۶۹). شعر کار در شعر فارسی. تهران: ناشر مؤلف.
- تیموری، سپیده. (۱۳۸۲). «جنبش کارگری در ایران فرازا و فرودها». نشریه گزارش. ش ۱۴۶، صص ۳۱۹-۳۲۸.
- حاکمی، اسماعیل. (۱۳۷۳). ادبیات معاصر ایران. تهران: اساطیر.
- خراسانی زاده گزکی، زهرا. (۱۳۸۹). «کارنامه شعری منوچهر نیستانی»، راهنما حمید جعفری قریه‌علی. دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۰). دیوان دهخدا. به کوشش سیدمحمد دبیر سیاقی. تهران: نشر کتاب پایا.
- سازمان چریک‌های فدایی خلق. (بی‌تا). نبرد خلق، ارگان تئوریک-سیاسی سازمان چریک‌های فدایی خلق. [بی‌جا]: انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق.
- سلیمی، موسی. (۱۳۸۲). «رشد و زوال جنبش کارگری در ایران». کتاب ماه علوم اجتماعی. ش ۶۷ و ۶۸، صص ۶۲-۶۶.
- شاکری، خسرو. (۱۳۸۴). پیشینه‌های اجتماعی جنبش مشروطه و انکشاف سوسیال دموکراسی. تهران: اختران.
- شریف‌پور، عنایت‌الله؛ باقری، محمدحسن. (۱۳۹۰). «مقایسه ادبیات کارگری در اشعار فرخی یزدی و جمیل صدقی زهاوی»، فصلنامه لسان مبین. س ۲، دوره جدید، ش ۴، صص ۶۰-۸۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۹). ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت). تهران: نشر توس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). با چراغ و آینه. چاپ ۴. تهران: نشر سخن.
- صابری، کیومرث (گل آقا). (۱۳۷۴ و ۱۳۷۲). «سالنامه گل آقا». مجله گل آقا. صص ۵۴-۶۱.

- طاهرزاده، میرزا علی‌اکبر. (۱۳۵۶). **هوپ هوپ نامه**. ترجمه احمد شفایی. آذربایجان: نشر دولتی.
- عارف قزوینی، میرزا قاسم. (۱۳۶۱). **دیوان**. به اهتمام سیف آزاد. چاپ جدید. تهران: انتشارات جاویدان.
- عارف قزوینی، (۱۳۵۸). **کلیات دیوان عارف قزوینی**. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- فرامرزی، محمدتقی. (۱۳۵۷). **بازتاب کار و طبیعت در هنر**. چاپ ۲. تبریز: نشر ساوالان.
- فرخی یزدی، محمد. (۱۳۶۰). **دیوان فرخی یزدی**. با تصحیح و مقدمه در شرح احوال شاعر به قلم حسین مگی. تهران: بنیاد نشر کتاب.
- کامبخش، عبدالصمد. (بی تا). **نظری بر جنبش کارگری و کمونیستی در ایران**. ج ۱. بی جا.
- لاهوتی، ابوالقاسم. (۱۳۵۷). **کلیات لاهوتی**. تهران: نشر توکا.
- مارکس، کارل؛ انگلس، فردریک. (۱۳۷۹). **مانیفست کمونیست**. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: نشر آگه.
- محمدی، غلامرضا. (۱۳۷۸). **برهنه چون شمشیر**. یزد: نشر اندیشمندان.
- مکی، حسینی. (۱۳۷۶). **دیوان فرخی یزدی**. چاپ ۸. تهران: امیرکبیر.
- میرزاده عشقی، سید محمدرضا. (۱۳۵۷). **کلیات مصور میرزاده عشقی**. چاپ ۸. تهران: نشر امیرکبیر.
- نسیم شمال. (۱۳۷۱). **کلیات جاودانه نسیم شمال (سیداشرف‌الدین قزوینی گیلانی)**. به کوشش حسین نمینی. تهران: انتشارات اساطیر.
- هانت، ای.ک. (۱۳۸۱). **تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی**. ترجمه سهراب بهداد. چاپ ۱. تهران: نشر آگه.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). **جویبار لحظه‌ها**. چاپ ۱۱. تهران: نشر جامی.